

۴۵ سال از آغاز روزه‌های جنگ تحمیلی می‌گذرد و سپینمای دفاع مقدس هنوز زنده است

عملیاتنه به فراموشی!



محمدحسین سطلانی، خبرنگار گروه فرهنگ

فاغ از اینکه جنگ چهره زئانه با مردانه، زشت یا زیبا، دوست‌داشتنی و خشن دارد یا نه، احتمالاً سر یک موضوع اتفاق نظر داریم؛ جنگ چهره دارد. حالا می‌شود در باره‌اش حسن و سوءنیتیر به خرج داد و از اینکه جور دیگر باید یا نباید دید، بحث کرد و پر سر و کله همدیگر زد. همه این بحث‌ها و دعوام‌ها سر ارزش گذاری را کنار بگذاریم و مستقیم برویم سراصل مطلب. سراغ ۱۲ و ۵۰ دقیقه ۳۱ شهریور ۱۹۲۰ بمب‌افکن از خط‌طوسی مرزی ایران عبور می‌کنند و قصه آغاز می‌شود. حدود یک ساعت بعد تماشاگران سینما دیانا صدای نسیباً واضح به گوششان می‌رسد. حدود ۹ کیلومتر آن‌طرف‌تر، اولین بمب‌افکن از بالای مهرآباد محموله خود را تخلیه می‌کند. اهالی سینما دیانا خبر ندارند که فیلمی تکان‌دهنده‌تر از آنچه روی پرده

نشان داده می‌شود، در همان دوران

خشاب را با نام خدا در اسلحه بگذار

کشور تا خرداد ۶۰ در شوک جنگ فرو رفته دولت دقیقاً نمی‌داند چگونه باید جبهه‌ها را سامان بدهد و تئوری‌های بنی‌صدر یکی یکی شکست می‌خورد. از طرفی استراتژی فرهنگی در قبال جنگ معلوم نیست چون کسی نمی‌داند کی و چگونه قرار است همه چیز تمام شود. از طرفی تکلیف سینما هم معلوم نیست، کسی دقیقاً نمی‌داند نظام جدید دقیقاً از هنر و سینما چه می‌خواهد. هنوز لقب دفاع مقدس در زبان مردم نیامده بود و سیاست همه را مبعطل خود گذاشته بود. با این‌حال «مرز» و «برخی‌ها» در همان دوران

ساخته می‌شود و لقب فیلم‌های جنگی اسلحه‌های حیرت را با خود به دوش می‌کشند. تا سال ۶۳ «مرز» و «برخی‌ها» تنها فیلم‌های قابل‌توجه جنگی هستند که از پی‌اوی سینمای قیل از انقلاب به سراغ جبهه‌ها می‌روند. همین اتفاق اهالی سینما را دچار یک پرسش جدی می‌کند: آیا با پی‌اوی سینمای قبل انقلاب (یا حتی در عبارت کمتر، سینمای طاغوت) می‌شود به سراغ مسئله اصلی دفاع مقدس مردم ایران رفت؟ یا همین سؤال فیلم‌هایی مثل «مرز» زیر سؤال رفت. فیلمی که قهرمانش شیبه به آدم‌های جبهه‌ها نبود و

شکاف بین واقعیت و سینما، باعث شد ساختن فیلم در باره روزه‌های جنگ چند سالی به تأخیر بیفتد. همه چیز موقوف شد به سال ۶۳، با تثبیت شدن شرایط جنگی در کشور، گروهی از نسل تازه فیلم‌سازهایی که فضای جنگ را تجربه کرده بودند به پشت جبهه‌ها بازگشتند تا جریان اصلی را تغییر دهند. رسول ملاقلی‌پور، سمید حاجی‌میری و کمی بعد مجتبی راعی و البته ابراهیم حاتم‌کیا نمایندگان جریان تازه تولیدات جنگی هستند. با ورود این دسته، دوربین از پی‌اوی قهرمان آمریکایی رنگ و بوی زنازات گرفت و تلاش کرد به ابتیاد و آدم‌های جبهه‌ها نزدیک‌تر شود. سوزن شدن آدم‌های جبهه و برقراری پیوند معنایی بین ارزش‌های بنینی و هویت جنگ در فرم و چه مختوارا در فیلم‌های تازه ساخت‌ها عوض شد. کرد، دیارگ‌ها، طراخی محنه و حتی حرکت دوربین هم تغییر کرد. حالا بحث جدی این بود که چگونه می‌شود مخاطبی که سال‌ها با فیلم‌های روشنفکری و فیلم‌فارسی‌ها عجین‌شده را به سمت سینمای تازه تأسیس دفاع مقدس کشانند. با این حال فضای حاکم بر جامعه و کیفیت قابل قبول و حتی منحصربه‌فرد فیلم‌هایی که از حاتم‌کیا و ملاقلی‌پور به سینماها آمد همه را امپدور به موج جدیدی در سینمای دهه ۶۰ انقلاب کرد. «دیده‌بان»، «مهاجر» و «پرواز در شب» نمونه‌های قابل‌توجهی از جریان جدید سینمایی بودند که خون جدیدی را به سینمای از انقلاب تزریق کرد.

به جز این دو جریان سینمایی روشنفکری و ضد فیلم‌فارسی پیش

نام اثر	سال ساخت	کارگردان
مرز	۱۳۶۰	جشید حیدری
برخی‌ها	۱۳۶۱	ایرج قادری
تینوا	۱۳۶۳	رسول ملاقلی‌پور
آوای غیب	۱۳۶۳	سمید حاجی‌میری
پرواز در شب	۱۳۶۵	رسول ملاقلی‌پور
انسان و اسلحه	۱۳۶۸	مجتبی راعی
بلمی به‌سوی ساحل	۱۳۶۴	رسول ملاقلی‌پور
بهار در پاییز	۱۳۶۶	مهدی فخرپزاده
کانی‌مانگا	۱۳۶۷	سیف‌الله داد
عقاب‌ها	۱۳۶۴	سامولن خاچیگیان
افق	۱۳۶۷	رسول ملاقلی‌پور
عروسی خوابان	۱۳۶۷	محسن مخملباف
دیده‌بان	۱۳۶۷	ابراهیم حاتم‌کیا
دندان مار	۱۳۶۸	مسعود کیمیایی
مهاجر	۱۳۶۸	ابراهیم حاتم‌کیا
در کوچه‌های عشق	۱۳۶۹	خسرو سینایی
بازی بزرگان	۱۳۶۹	کامیوزیا پرتوی
باشو، غریبه کوچک	۱۳۶۸	بهرام بهیانی

بوی اصلاحات یا چرخش استراتژیک؟

با تمام شدن جنگ احساس می‌شد که سینمای دفاع مقدس هم به مرور زمان از بین پرود و منقطع دولت‌های پس از جنگ هم بر اولویت ندادن به این دسته از آثار بود. با این حال، جریان فیلم‌سازان جوان دفاع مقدس حالا بالغ شده بودند و به نشان‌اشان اضافه شد، از طرفی تا اوایل دهه هفتاد هم سازندگان اپر پروژه‌های دفاع مقدس سسی می‌کردند با الگوریتم‌ها و عقاب‌ها و کانی‌مانگا آثار را همچون حمله به آج ۳ و جنگ نفتکش‌ها بسازند اما با تغییرات سیاسی اواسط دهه هفتاد، ساخت دفاع مقدس‌های پر هزینه با متوقف شد و یا به چند اثر محدود شدند. متأثر از این تغییرات فیلم‌سازان دفاع مقدس هم با تمرکز روی همین تغییرات فیلم‌هایی را در قد جریان‌های اجتماعی ساختند که جدی‌تر نشان «آژانس

نام اثر	سال ساخت	کارگردان
عملیات کرکوک	۱۳۷۰	جمال شورشه
هور در آتش	۱۳۷۰	عزیزالله حیدرزاد
از کرخه خا تا راین	۱۳۷۱	ابراهیم حاتم‌کیا
سجاده آتش	۱۳۷۲	احمد مرادیور
جنگ نفت‌کش‌ها	۱۳۷۲	محمد یزدگانی
آخرین شناسایی	۱۳۷۲	علی شاه‌حاتمی
حمله به ۳ آج	۱۳۷۳	شهریار بهرامی
کپی‌کا	۱۳۷۳	احمدرضا درویش
سفر به چرخه	۱۳۷۴	رسول ملاقلی‌پور
بوی پراهی یوسف	۱۳۷۴	ابراهیم حاتم‌کیا
وکل	۱۳۷۴	عبدالحسن برزیده
لیلی با من است	۱۳۷۴	کمال تریزی
مردی شبیه باران	۱۳۷۵	سعید سهیلی
سرزمین خورشید	۱۳۷۵	احمدرضا درویش
برنج جنت	۱۳۷۵	ابراهیم حاتم‌کیا
آژانس خبیث‌های	۱۳۷۶	ابراهیم حاتم‌کیا
پورش	۱۳۷۶	محسن محسنی‌نسب
پنجه در خاک	۱۳۷۶	ایرج قادری
براده‌های خورشید	۱۳۷۶	محمدحسین حقیقی
هیرا	۱۳۷۷	رسول ملاقلی‌پور
روبان قرمز	۱۳۷۷	ابراهیم حاتم‌کیا
متولد ماه مهر	۱۳۷۸	احمدرضا درویش
تخته سیاه	۱۳۷۸	سمیرا مخملباف

نشان داده می‌شود، در همان دوران

ساخته می‌شود و لقب فیلم‌های جنگی اسلحه‌های حیرت را با خود به دوش می‌کشند. تا سال ۶۳ «مرز» و «برخی‌ها» تنها فیلم‌های قابل‌توجه جنگی هستند که از پی‌اوی سینمای قبل از انقلاب به سراغ جبهه‌ها می‌روند. همین اتفاق اهالی سینما را دچار یک پرسش جدی می‌کند: آیا با پی‌اوی سینمای قبل انقلاب (یا حتی در عبارت کمتر، سینمای طاغوت) می‌شود به سراغ مسئله اصلی دفاع مقدس مردم ایران رفت؟ یا همین سؤال فیلم‌هایی مثل «مرز» زیر سؤال رفت. فیلمی که قهرمانش شیبه به آدم‌های جبهه‌ها نبود و

شکاف بین واقعیت و سینما، باعث شد ساختن فیلم در باره روزه‌های

جنگ چند سالی به تأخیر بیفتد. همه چیز موقوف شد به سال ۶۳، با تثبیت شدن شرایط جنگی در کشور، گروهی از نسل تازه فیلم‌سازهایی که فضای جنگ را تجربه کرده بودند به پشت جبهه‌ها بازگشتند تا جریان اصلی را تغییر دهند. رسول ملاقلی‌پور، سمید حاجی‌میری و کمی بعد مجتبی راعی و البته ابراهیم حاتم‌کیا نمایندگان جریان تازه تولیدات جنگی هستند. با ورود این دسته، دوربین از پی‌اوی قهرمان آمریکایی رنگ و بوی زنازات گرفت و تلاش کرد به ابتیاد و آدم‌های جبهه‌ها نزدیک‌تر شود. سوزن شدن آدم‌های جبهه و برقراری پیوند معنایی بین ارزش‌های بنینی و هویت جنگ در فرم و چه مختوارا در فیلم‌های تازه ساخت‌ها عوض شد. کرد، دیارگ‌ها، طراخی محنه و حتی حرکت دوربین هم تغییر کرد. حالا بحث جدی این بود که چگونه می‌شود مخاطبی که سال‌ها با فیلم‌های روشنفکری و فیلم‌فارسی‌ها عجین‌شده را به سمت سینمای تازه تأسیس دفاع مقدس کشانند. با این حال فضای حاکم بر جامعه و کیفیت قابل قبول و حتی منحصربه‌فرد فیلم‌هایی که از حاتم‌کیا و ملاقلی‌پور به سینماها آمد همه را امپدور به موج جدیدی در سینمای دهه ۶۰ انقلاب کرد. «دیده‌بان»، «مهاجر» و «پرواز در شب» نمونه‌های قابل‌توجهی از جریان جدید سینمایی بودند که خون جدیدی را به سینمای از انقلاب تزریق کرد.

به جز «آخارجی‌ها»، جریان‌های سابق سینمای جنگ و دفاع

نام اثر	سال ساخت	کارگردان
عیسی می‌آید	۱۳۸۰	علی زکান
تزشک‌های صلح	۱۳۸۰	علی شاه‌حاتمی
نغمه	۱۳۸۰	ابوالفضل طاهایی
آوازهای سرزمین مادری‌ام	۱۳۸۱	بهمن قیادی
دیوانه‌ای از قفس پرید	۱۳۸۱	احمدرضا محمدنقی
اشک سرما	۱۳۸۲	عزیزالله حیدرزاد
خداحافظ رفیق (پیزود اول)		بهباز بهزادپور
خداحافظ رفیق (پیزود دوم)	۱۳۸۲	بهباز بهزادپور
خداحافظ رفیق (پیزود سوم)		
دوتل	۱۳۸۲	احمدرضا درویش
طبل بزرگ زیر پای چپ	۱۳۸۳	کاظم معصومی
لاکت‌پشت‌ها هم پرواز می‌کنند	۱۳۸۳	بهمن قیادی
گیلان	۱۳۸۳	روشان بنی‌اعتماد
شب‌بخیر فرامنده	۱۳۸۴	انسبه شاه‌حسینی
به نام پدر	۱۳۸۴	ابراهیم حاتم‌کیا
اتوبوس شب	۱۳۸۵	کیومرث پوراحمد
پادش سبوت	۱۳۸۵	مازیار میری
روز سوم	۱۳۸۵	محمدحسین لطیفی
میم مثل مادر	۱۳۸۵	رسول ملاقلی‌پور
آخارجی‌ها	۱۳۸۶	مسعود دهنمکی
فرزنت خاک	۱۳۸۶	محمدعلی آهنگر
آخارجی‌ها ۲	۱۳۸۷	مسعود دهنمکی
نقودنی	۱۳۸۷	احمدکازری
شب واقعه	۱۳۸۷	شهرام اسدی
بادروز بغداد	۱۳۸۸	مهدی نادری
سیزده ۵۹	۱۳۸۹	سامان سالور

تزریق خون تازه به سینمای جنگ

اواخر دهه هشتاد روزه‌های تکرار در سینمای دفاع مقدس بود و عملاً عمده تولیدات به روطه تکرار افتاد و همه منتظر بودند سینمای تازه‌ای را روی پرده ببینند. از اوایل دهه ده با آمدن آپار و مهدویان و جعفری، خون تازه‌ای به سینمای دفاع مقدس اضافه شد، نکته جالب این دوران حذف جریان روشنفکری از لیست کارگردانی که مربوط به مسائل جنگ فیلمی ساختند بودو این گروه از سازندگان جوان شد و آپار و قیدی هم با مدنظر قرار دادن زنان و جنگ افضای متفاوتی را در سینمای دفاع مقدس به روی پرده آورد. از باز ماندن‌ها به جریان اول سینمای دفاع مقدس هم حاتم‌کیا کنار فیلم‌سازی بود. جریان اول سینمای دفاع مقدس نیمه دوم دهه هشتاد هشت قابل‌توجهی اما عملاً دیگر صدای دیگری از جریان اول شنیده نشد. از طرفی به این قسمت فیلم‌ها خیلی زود تنها خریدارشان جشنواره‌های خارجی شدند.

نام اثر	سال ساخت	کارگردان
ضدکلوله	۱۳۹۰	مصطفی کتانی
ملکه	۱۳۹۰	محمدعلی باشه آهنگر
روزهای زندگی	۱۳۹۰	پرویز شیخ طادی
دلننگی‌های عاشقانه	۱۳۹۱	رضا اعظمیان
مهدان داریم	۱۳۹۱	محمدنهدی عسگریور
چ	۱۳۹۲	ابراهیم حاتم‌کیا
شیار ۱۴	۱۳۹۲	نوژن آپار
ایستاده در غبار	۱۳۹۴	محمدحسین مهدویان
ویلا یهو	۱۳۹۵	منیر قیدی
آیاچان	۱۳۹۵	هاشم عیدمرینی
ماجراجی پیروز	۱۳۹۵	محمدحسین مهدویان
کنگه یاقربیب	۱۳۹۶	بهرام توکلی
سرو زیر آب	۱۳۹۶	محمدعلی باشه آهنگر
بسی: یک عاشقانه	۱۳۹۶	پیمان معادی
ماجراجی پیروز: رد خون	۱۳۹۷	محمدحسین مهدویان
۲۳ نفر	۱۳۹۷	مهدی جعفری
آیدان یازده ۶۰	۱۳۹۸	مهراد خوشبخت
درخت گردو	۱۳۹۸	محمدحسین مهدویان
یلو	۱۳۹۹	مهدی جعفری
تک تیرانداز	۱۳۹۹	علی غفاری
منصور	۱۳۹۹	سیاوش سرمولی



ماجراجی تولیدات ضعیف این سال‌ها

در دهه جاری همچنان سینمای سازمانی پشت دفاع مقدس‌ها ایستاده‌اند و این لزوماً به نیست، در مان دفاع مقدس‌های سازمانی نوسان کیفیت بسیار زیاد شده است و به همین دلیل اقبال مخاطبان هم به این آثار وضعیت ثابتی نداشته است. آثار می‌مانند «موقعیت مهدی»، «سرسنگ ثریا»، «اسند» و «پچه مردم» از اتفاقات نادر سینمای دفاع مقدس در این سال‌ها بودند و برخی از تولیدات مانند دست ناپیدا و ۲۸۸۸ از تولیدات ضعیف این جریان بودند. به مانند سال‌های پایانی دهه هشتاد باز هم حضور سینمایی که جنگ هشت‌ساله را مقصد بناند

نام اثر	سال ساخت	کارگردان
موقعیت مهدی	۱۴۰۰	هادی حجازی‌فر
دسته دختران	۱۴۰۰	منیر قیدی
۲۸۸۸	۱۴۰۰	کیوان علی محمدی و علی اکبر حیدری
اتلاف کلی	۱۴۰۱	محمد عسگری
سرسنگ ثریا	۱۴۰۱	لیلی عاج
سینما متروپل	۱۴۰۱	محمدعلی باشه آهنگر
شماره ۱۰	۱۴۰۱	حمید زرگرزاد
غریب	۱۴۰۱	محمدحسین لطیفی
بالاشکاف	۱۴۰۱	مهرداد خوشبخت
دست ناپیدا	۱۴۰۲	انسبه شاه‌حسینی
مهدی شاه‌حسینی	۱۴۰۲	مهدی شاه‌حسینی
محمد عسگری	۱۴۰۳	محمد عسگری
جواد افشار	۱۴۰۳	جواد افشار
دانش ابشاری	۱۴۰۳	دانش ابشاری
مهدی جعفری	۱۴۰۳	مهدی جعفری
محمود کریمی	۱۴۰۳	محمود کریمی
حسین دارابی	۱۴۰۳	حسین دارابی
حمید زرگرزاد	۱۴۰۳	حمید زرگرزاد

خرید برادران وارنر توسط نتفلیکس و درسی که پلتفرم‌ها ما باید بیاموزند

ماجرای ادغام برادران وارنر وزنگ خطر برای ایرانی‌ها



امیر عظمی، خبرنگار گروه فرهنگ

پراشتراکن‌ترین رسانه در میان سرویس‌های بخش استریم فیلم، مستند و سریال تبدیل شود. با همه این توفیقات، دسترسی بدون محدودیت به میراث کمپانی برادران وارنر اقدامی است که حتی از دید تبلیکس نیز پنهان نمانده است. برادران وارنر در طول بیش از ۱۰۰ سال میراث گران‌بهایی از ملودرام‌های خانوادگی مانند «هوت‌تیک»، «شرق بهشت» گرفته تا تولیدات بزرگی نظیر «جولان»، «جودگان»، «باتوی زیبای من» و… را در کنار هم قرار داده است و اکنون که با مشکلات مالی عیدیه‌ای مستقیم‌تر هم می‌کند در یک معامله دربره با نتفلیکس بابتد استفاده‌اش را از حد گذشت و به فروش و ادغام وابست شد. در این میان البته نگرانی‌هایی نیز وجود دارد که بیان آن‌ها خالی می‌گذارد تا به مخروای آثار کلاسیک دسترسی پیدا کند. آیا این اتفاق از آن به‌عنوان امکانی نوی برای توزیع سینمایی استفاده نخواهد کرد؟ و تمرکزش را بیشتر روی مدیریت و بهره‌برداری از آرشیو این مجموعه می‌گذارد تا به مخروای آثار کلاسیک دسترسی پیدا کند؟ به این سوالات می‌تواند مسئله کاروانی گاه آثار تاریخی بزرگ‌ها بیورد برسد و عریض سالن‌های سینما در آمریکا و جهان راحت‌الشعاف قرار دهد؟ واضح است که نتفلیکس به تجربه تماشا برای فیلم در سالن سینما اهمیت نمی‌دهد و هدفش بهادان به رویدادهای مرتبط با این حوزه نیست، اما برای جذب و همین‌طور حفظ مخاطبان می‌تواند از آرشیو برادران وارنر استفاده کند. کمپانی برادران وارنر شامل استودیوهای وارنر برادرز یکچیز، کسل راک اینترتینمنت، نیولاین سینما، وارنر برادرز یکچیزز انیمیشن و گروه تلویزیونی برادران وارنر است که در صورت ادغام با نتفلیکس مشخص نیست چه پلاهی سرشان خواهد آمد. آیا با توجه به سیاست‌های توزیع محور و غیرسینمایی نتفلیکس، چراغ این استودیوهای خادرم‌ها خواهد شد یا گردانندگان این سرویس با توجه به دیدگاه خود، سده و آسان نخواهد بود. زیرا ارزش مالی برادران وارنر دیسکاور» ۱۱ میلیارد دلار تخمین‌ده شده و بدیع ۲۵ میلیارد دلاری این غول صنعت سرگرمی می‌تزد در نوع خودش غیرقابل چشم‌پوشی است؛ به همین خاطر ادغام آن توسط نتفلیکس در رقابت با «اسکای دتس» – که پیش‌تر کلید پرامونت را به دست آورده بود- ادغام‌کار آسانی نخواهد بود. هدف بر این پیشنهاده مدیر عامل دیسکاور، «بویاد زاسلا» برای سودآوری و توسعه همه‌جانبه کمپانی همچنان روی میز است و اعضای هیئت‌مدیره هر چند کم‌ولی به این فکر می‌کنند. در ماه

می‌سال جاری بود که دیسکاور از شکست طرح زاسلا- که در سال ۲۰۲۲ رد شد- عبور- برای رقابت هرچه بیشتر با نتفلیکس پرده برداشت. او درنظر داشت با تغییر نام سرویس استریم HBO (به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های اصلی برادران وارنر) به HBO Max و ترکیب برنامه‌ها و فیلم‌های Warner Bros و مستندهای شبکه Discovery بخش زنده خود را متحول کند و در مع اندازی با نتفلیکس کم نپاورد، اما عملکرد نامیدکننده این سرویس جدید، رشته نام‌ها را پنبه کرد تا پروژه متورانه زاسلا و رقابیش در برادران وارنر دیسکاورپی به سد معنیک واقعیت بخورد کند. اما این فکر می‌کشد این پایان ماجرا است سخت در اشتباه، چون برادران وارنر دیسکاورپی پس از برگزاری چند جلسه با سرمایه‌گذارانش به این نتیجه رسید که HBO Max برای دیسکاور پلاش را از تابستان سال ۲۰۲۳ با هم ادغام کند؛ تغییرات پی‌اوی برادران وارنر در نحوه عرضه محصولات خود به مخاطب در درون خاک آمریکا و همین‌طور باقی نقاط جهان با نتایج بسیار ناگوار و ناخوشایندی همراه شد و سهم این سرویس از مخاطبان را در بین یک تا ۱/۵ درصد کند داشت. کاربران HBO علاقه‌ای برای تماشا می‌کند و در ابتدا دست گرفتند سیرشان را ادامه می‌دادند، اما همان‌که عقل معاش گردانندگان کمپانی برادران وارنر دیگر مثل سابق دقیق و فکرکنده کار نمی‌کنند و ادغام این شرکت با نتفلیکس در صورت فروش استوار و اجتناب‌ناپذیر است.

لقمه پرجرب برای نتفلیکس

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، نتفلیکس نام مهم برپرسو صدای عرصه سرگرمی است، اما از منظر تاریخی نمی‌تواند باعتبار استودیو برادران وارنر رقابت کند، چون این کمپانی در حیات بیش از ۱۰۰ ساله‌اش یکی از جنبه‌های اصلی سینمای داستان‌گو است و اشتیاق تبلیکس برای دسترسی به آرشیو غنی آن بیش از اسکای دتس به نظر می‌رسد و همینش زاسلا را «دست ساراندوس» (مدیرعامل مشترک نتفلیکس) در حاشیه سبیه مشت‌نشی کرافورد و آلوارز در لاس‌وگاس مذکور هم بر سر خرید برادران وارنر را تأیید می‌کند. برادران وارنر، ۱۰۲ سال قبل توسط چهار برادر یهودی در برینک ایالت کالیفرنیا تأسیس شد و رفته‌رفته توانست به یکی از استودیوهای اصلی تولید و بخش فیلم در سراسر جهان تبدیل شود و به‌عنوان دومین بزرگ‌ترین استودیو در آمریکا تبدیل شود. در طرف مقابل، نتفلیکس به‌عنوان یکی از سرویس‌های بخش در آمریکا و دنیا قرار دارد که با نزدیک به ۲۰۲ میلیون مشترک در بیش از ۱۹۰ کشور تا سال ۲۰۲۵ توانست به

